

، رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس ۱۷

، خدمتگزار خداوند، ادامه موضوع

، اشعیا ۴: ۵۰-۱۱

اشعیا ۵: ۵۰-۶، شخصیت خدمتگزار

بحثمان را در مورد موضوع خدمتگزاری ادامه می‌دهیم. در پایان ساعت گذشته به باب ۵۰ رسیدیم. آن را کاملاً تمام نکردیم. این سومین بخش اصلی است - اجازه دهید این نمودار را برای شروع، فقط جهت مرور، قرار دهیم. به پایین نمودار در اشعیا ۵۰: ۴-۱۱ می‌رسیم

به یاد داشته باشید که در این متن، بر تحقیر بنده تأکید شده است، و در آیه ۶ می‌خوانید: «پشت خود را به زندگان و گونه‌هایم را به کسانی که موهایم را کردند، دادم.» آیه ۵ قبل از آن بسیار مهم است زیرا در مورد شخصیت بنده صحبت می‌کند. «من سرکش نبودم و به عقب برنگشتم.» بنابراین از این متن، با رنج داوطلبانه و شخصیت بنده، واضح به نظر می‌رسد که باید یک فرد باشد و از اسرائیل به عنوان یک ملت متمایز باشد. فکر می‌کنم تا آیه ۷ بحث کرده‌ایم که می‌گوید: «زیرا خداوند یهوه مرا یاری خواهد کرد. پس شرمند نخواهم شد. از این رو روی خود را مانند سنگ خارا قرار داده‌ام و می‌دانم که شرمند نخواهم شد.» من اشاره کردم که لوقا ۹: ۵۳ می‌گوید که عیسی روی خود را برای رفتن به اورشلیم قرار داده است. پس بیایید از آن نقطه شروع کنیم و به آیات ۸ تا ۱۱ از اشعیا فصل ۵۰ نگاه کنیم

اشعیا ۵۰: ۸-۹ کسی که توسط بنده یاری می‌شود، صحبت می‌کند

آیات ۸ و ۹ چنین می‌خوانند: «آن که مرا تبرئه می‌کند، نزدیک است؛ کیست که با من ستیز کند؟ بیایید با هم بایستیم، کیست که دشمن من است؟ بگذارید به من نزدیک شود. اینک، خداوندگار یهوه مرا یاری خواهد کرد؛ «کیست که مرا محکوم کند؟ اینک، همه آنها مانند جامه‌ای کهنه خواهند شد؛ بید آنها را خواهد خورد

در آیات ۸ و ۹، فکر می‌کنم این سوال مطرح است که آیا این بنده است که به صحبت کردن ادامه می‌دهد.

بنده در آیه ۶ صحبت می‌کرده است: «من پشتم را به کتک‌زندگان دادم» و آیه ۷: «خداوند مرا یاری خواهد کرد». سوال این است: آیا بنده به صحبت کردن ادامه می‌دهد و اطمینان خود را اعلام می‌کند که خدا او را قادر می‌سازد کاری را که به انجام آن فراخوانده شده است، به پایان برساند، یا یکی از کسانی است که به کار تمام شده بنده - کار تمام شده مسیح - ایمان دارد و سپس چه کسی اعلام می‌کند که کسی که مرا توجیه کرده نزدیک است؟ من تمایل دارم به مورد دوم فکر کنم: «کسی که مرا توجیه می‌کند نزدیک است.» به عبارت دیگر، کسی که در اینجا صحبت می‌کند بنده نیست، بلکه کسی است که به کار بنده اعتماد دارد. و از آنجا که کسی که او را توجیه کرده نزدیک است، پس او آماده است تا با هر دشمنی روبرو شود با این آگاهی که در امان است زیرا خدا توجیه او را فراهم کرده است و خدا آماده است تا از او محافظت کند. و سپس همه کسانی که با کار خدا مخالفت می‌کنند مانند

لباسی کهنه می‌شوند (آخرین عبارت آیه ۹)، «بید آنها را خواهد خورد.» فقط کسانی که به خداوند وفادارند برای همیشه در امان می‌مانند.

حال اینکه آیا این گذار در آیات ۸ و ۹ است، شاید بتوانید در مورد آن اشعیا ۱۰: ۵۰-۱۱ - ۲ گروه از مردم بحث کنید، اما فکر می‌کنم شما به وضوح در آیات ۱۰ و ۱۱ در حال گذار هستید. آیات ۱۰ و ۱۱ شروع می‌شوند: کیست از شما که از خداوند می‌ترسد؟» بنده دیگر در اینجا صحبت نمی‌کند، این خطاب به دیگران است. در آیات « و ۱۱ شما جمله‌ای دارید که خطاب به دو دسته از مردم است، یک دسته در ۱۰، دسته دیگر در ۱۱. اول ۱۰ کسانی هستند که از خداوند می‌ترسند: «کیست از شما که از خداوند می‌ترسد.» و دوم، آیه ۱۱، خطاب به گروه دیگری است، کسانی که مخالفت با خداوند را برمی‌انگیزند یا مخالفت با خداوند را برمی‌انگیزند. آیه ۱۰ می‌گوید: کیست از شما که از خداوند بترسد و به سخن بنده‌اش گوش دهد،» و بنده را دنبال می‌کند، «که در تاریکی راه می‌رود و نوری ندارد؟ به نام خداوند توکل کند و به خدای خود توکل کند.» آیه ۱۱ می‌گوید: «اینک ای همه شما که آتش می‌افروزید و خود را با جرقه‌ها احاطه می‌کنید؛ در نور آتش خود و در جرقه‌هایی که افروخته‌اید، راه بروید. این را از دست من خواهید گرفت؛ در غم خواهید خوابید.» بنابراین، این عبارات خطاب به دو دسته از مردم است. دسته اول: کسانی که به خداوند توکل می‌کنند: «کیست از شما که از خداوند می‌ترسد و به سخن بنده گوش می‌دهد؟» اما سپس یک جمله نسبتاً تعجب‌آور: «که در تاریکی راه می‌رود و نوری ندارد، به نام خداوند توکل کند و به خدای خود توکل کند.» من فکر می‌کنم نکته این است که کسانی که به خداوند توکل می‌کنند باید این کار را انجام دهند، حتی اگر نتوانند راه پیش رو را ببینند؛ آنها نمی‌دانند آینده چه چیزی را در بر دارد، اما می‌توانند با خیال راحت به خدا توکل کنند و بدانند که خدا با آنها خواهد بود و آنها را از این مخمصه نجات خواهد داد. بنابراین، حتی مؤمنان، به نوعی، در تاریکی راه می‌روند زیرا هیچ یک از ما نمی‌دانیم چه چیزی پیش روی ماست. با این حال، در پرتو این موضوع، باید به خداوند اعتماد کنیم و مطمئن و مطمئن باشیم که او با ما خواهد بود.

نقطه مقابل آن در آیه ۱۱ است که سرنوشت کسانی را که سعی می‌کنند در پرتو نیرنگ‌های خود گام بردارند، بیان می‌کند: «هان، ای همه شما که آتش می‌افروزید، خود را با جرقه‌ها احاطه کنید، در پرتو آتش خود گام بردارید.» افرادی که سعی می‌کنند در پرتو نیرنگ‌های خود گام بردارند. آنچه آیه ۱۱ می‌گوید این است که آنها با آتش خود هلاک خواهند شد. آنها در غم و عذاب ابدی خواهند خوابید. بنابراین این دو آیه به دو احتمال اشاره می‌کنند: می‌توانید کار تمام شده بنده را بپذیرید و به بنده اعتماد کنید و از آرامشی که از آن حاصل می‌شود، با دانستن اینکه خدا با شماست، لذت ببرید. یا می‌توانید در برابر خداوند مقاومت کنید، سعی کنید در پرتو نیرنگ‌های خود گام بردارید، با کار بنده مخالفت کنید و در غم و اندوه خواهید خوابید.

بنابراین، این پایان این بخش پس از آخرین متن مربوط به خدمتگزاری است، که شماره ۹ است، اشعیا توجه کنید که من زیر متون اصلی خط کشیده‌ام. این سومین متن اصلی است. و این ما را به متن نهایی ۱۱-۴:۵۰ می‌رساند که چهارمین متن اصلی است، اشعیا ۱۳:۵۲ تا ۱۲:۵۳.

اشعیا ۱۳:۵۲-۵۳: ۱۲ خدمتگزاری متمایز از اسرائیل ۴.

بسیار خوب، اشعیا ۱۳:۵۲. در اینجا به بخش اوج داستان در مورد کار نجات‌بخش خادم می‌رسیم. نکته جالب این است که این آخرین باری است که کلمه «خادم» در کتاب اشعیا ذکر شده است. شما در آیه ۱۳ می‌خوانید: اینک بنده من با تدبیر رفتار خواهد کرد.» این آخرین اشاره صریح به خادم است. پس از این بخش اوج داستان، « شما کاربرد جمع این اصطلاح را دارید. پس از این، شما در مورد بندگان (جمع) خدا می‌خوانید، اما هرگز در مورد بنده (مفرد) نمی‌خوانید. به عبارت دیگر، آنچه در ادامه می‌آید بر کسانی که از خادم پیروی می‌کنند و کسانی که در آن زمان خادمان خداوند هستند، تمرکز دارد. اما این اوج کار خود خادم است. جای تاسف است که تقسیم‌بندی فصل‌ها بین ۱۵:۵۲ و ۱:۵۳ است. خیلی بهتر بود که تقسیم‌بندی فصل‌ها بعد از ۱۲:۵۲ قرار می‌گرفت، زیرا آیات ۱۳-۱۵ از ۵۲ مستقیماً به فصل ۵۳ می‌پیوندد و مطمئناً یک واحد است. بنابراین بعد از سال ۵۳، نتایج کار خدمتکار را می‌بینید و یک پیشرفت وجود دارد، اما من آن را گاهشماری نمی‌نامم، بلکه می‌گویم پیشرفت در توسعه ایده خدمتکار است. در ابتدا خیلی واضح نیست؛ سوالات زیادی وجود دارد که می‌توانید پرسید، اما به تدریج با کامل شدن و توسعه آن، شکل و فرم بیشتری به خود می‌گیرد. اما بعد از سال ۵۳، دیگر به کار خدمتکار نمی‌رسید، بلکه به نتایج کار خدمتکار و پیامدهای آن می‌پردازید.

قبل از آیه ۱۳:۵۲ و بعد از آن، اشاراتی داشتیم مبنی بر اینکه بنده از اسرائیل متمایز است. این امر به ویژه در آیات ۴۹:۵ و ۶ که بنده قرار است یعقوب را دوباره به سوی خدا بیاورد، آشکار شد. و در آیه ۶: «این چیز کوچکی است که تو بنده من باشی تا قبایل یعقوب را برپا کنی و نجات‌یافتگان اسرائیل را بازگردان. من نیز تو را نوری برای امت‌ها خواهم ساخت.» به عبارت دیگر، در آیات ۴۹:۵ و ۶، کاملاً واضح است که تمایزی بین بنده و اسرائیل وجود دارد. بنده از اسرائیل است، از اسرائیل، اما از اسرائیل متمایز است. سپس در فصل ۵۰، که به آن نگاه کردیم، وقتی بنده می‌گوید: «من سرکش نبودم و به عقب برنگشتم»، مطمئناً این نمی‌تواند در مورد ملت اسرائیل صدق کند.

بنابراین ما اشاراتی به آن دیده‌ایم و سپس در آیه ۴۹ روشن می‌شود. او به یک معنا اسرائیل است زیرا از اسرائیل می‌آید و نماینده اسرائیل است، اما می‌توان او را از کل ملت متمایز کرد. بنابراین، این خدمتگزار فراخوانده شده است تا کار بزرگی انجام دهد: نوری برای غیریهودیان باشد. اسرائیل در گناه افتاده است. برای اسرائیل غیرممکن است که وظیفه بزرگ آوردن نور به ملت‌ها را انجام دهد. اسرائیل کور است، چگونه می‌تواند نور بیاورد؟ بنابراین این کار باید توسط کسی که نماینده اسرائیل است انجام شود.

عهد عتیق، آلیس، در اشعیا ۵۳: بسیاری معتقدند که خدمتگزار، ملت رنج‌دیده است.

حالا به نقل قول هایتان در صفحه ۳۰ نگاه کنید. من چند پاراگراف از کتاب «*وحدت / اشعیا*»

نوشته‌ی عهد عتیق آلیس را که کتابچه‌ی کوچک و خوبی است، برداشته‌ام. توجه کنید که او در مورد این سوال که بنده کیست، چه می‌گوید. آیا منظور ملت اسرائیل است یا کسی متمایز از اسرائیل؟ آیا مسیحایی است؟ او می‌گوید: «این واقعیت با عبارت زیر در مورد اشعیا ۵۳ که چند سال پیش بیان شد، نشان داده شده است، اما به همان اندازه در مورد وضعیت فعلی نیز صدق می‌کند.» اکثر دانشمندان مسیحی اکنون تفسیر یهودی را دارند که «اگرچه این تصویر بسیار فردی است، اما همچنان به ملت رنج‌کشیده اشاره دارد»

وقتی او می‌گوید اکثریت محققان مسیحی، منظورش کلی است. او در اینجا از شخص دیگری نقل قول می‌کند. بدون شک، اگر به حوزه مطالعات آکادمیک کتاب مقدس از مدارس پروتستان یا کاتولیک نگاه کنید، این یک جمله درست خواهد بود. شاید بتوانید در مورد اینکه آیا می‌خواهید آنها را محقق مسیحی بنامید یا نه، بحث کنید، اما آنها خودشان را اینگونه می‌نامند. او می‌گوید: «این جمله حتی اگر کلمه انتقادی جایگزین مسیحی شود، بسیار کلی است، همانطور که انصافاً باید انجام شود.» زیرا، همانطور که دیدیم، تفسیر «ملت رنج‌کشیده» به طور گسترده توسط محققان انتقادی پذیرفته شده است، راحل‌های دیگری نیز وجود دارد که کم و بیش محبوب بوده‌اند یا هستند. دلیل این نقل قول این است که نویسنده در توصیف آنچه که به عنوان پذیرفته‌شده‌ترین تفسیر انتقادی می‌دانست، به عنوان «تفسیر یهودی» تردیدی نداشته است.

بنابراین، توجه به این نکته مهم است که شواهد خوب و قابل اعتمادی وجود تفسیر اولیه یهودی: مسیحایی دارد که نشان می‌دهد این تفسیر اصلی یهودی نبوده است. تارگوم یوناتان، که توسط تلمود بابلی به عنوان رسمی شناخته شده است، اشعیا ۱۳: ۵۲ را با این کلمات آغاز می‌کند: «اینک بنده من، مسیح، کامیاب خواهد شد.» تارگوم‌ها ترجمه‌های آرامی از عبری هستند که معمولاً با کمی تغییر بیان همراه هستند. اما تارگوم یوناتان، بنده را به عنوان مسیح معرفی می‌کند. بنابراین شواهد دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد تفسیر مسیحایی در میان یهودیان در دوران اولیه رایج بوده است، علیرغم این واقعیت که توصیف تحقیر، مرگ و رستاخیز بنده مشکلی را ایجاد می‌کرد که آنها طبیعتاً کاملاً قادر به حل آن نبودند. ظاهراً تا قرون وسطی نبود که دانشمندان برجسته یهودی، مانند راشی، ابن عزرا و غیره، «تفسیر اسرائیل» را پذیرفتند، اگرچه این تفسیر از زمان اوریگن شناخته شده بود. و تا آنجا که آنها تفسیر مسیحی از دیدگاه را درک می‌کردند، هدف آنها از اتخاذ این تفسیر رقیب، از بین بردن ارتباط بین پیشگویی عهد عتیق و آنچه که آنها به اشتباه تحقق ادعایی آن در عهد جدید در مرگ عیسی ناصری می‌دانستند، بود. ببینید، این یک استدلال قدرتمند مسیحی برای مسیح بودن عیسی است.

تفسیر مسیحایی عهد جدید از اشعیا ۵۳

دلیل ویژه برای جلب توجه به این موضوع این است که این موضوع، پرسش بسیار مهمی را مطرح می‌کند: چگونه محققانی که خود را مسیحی می‌دانند، می‌توانند تفسیری را بپذیرند که برای از بین بردن ارتباط بین عهد عتیق، که آنها و یهودیان آن را می‌پذیرند، و عهد جدید، که آنها می‌پذیرند و یهودیان آن را رد می‌کنند، طراحی و در عین حال انتظار دارند که آن ارتباط بین این دو را که قرن‌ها مسیحیان بر اساس ادعاهای بیان شده عهد جدید، کاملاً بدیهی می‌دانستند، حفظ کنند؟ چگونه می‌توانند پل را بشکنند و ارتباط را دست نخورده نگه دارند؟ یا آیا آنها آماده‌اند اعتراف کنند که یهودیان در ادعای عدم وجود چنین ارتباطی حق دارند؟ که البته باید به این معنی باشد که نویسندگان عهد جدید هنگام تفسیر چنین پیشگویی اشتباه کرده‌اند؟ آیا این محققان آماده‌اند اعتراف کنند که یهودیان در ادعای عدم وجود چنین ارتباطی حق داشتند، که البته باید به این معنی باشد که نویسندگان عهد جدید هنگام تفسیر چنین پیشگویی اشتباه کرده‌اند؟ در ادامه با اسوالت، «برای یهودیان، اگر تفسیر مسیحایی را رد کنند، پرسش به سادگی این است: در پیشگویی بنده رنج‌کشیده به چه کسی اشاره شده است؟» برای یک مسیحی، اگر به باور سنتی کلیسا یا آموزه‌های عهد جدید احترام بگذارد، این سوال دوگانه است: اگر این پیشگویی پیش‌بینی رنج‌های مسیح نیست، برای چیست و چگونه تفسیر عهد جدید آن باید توضیح داده شود؟ زیرا در عهد جدید کاملاً واضح است که به مسیح نسبت داده می‌شود. در عهد جدید، کلیسا از نظر معنوی به عنوان نسل ابراهیم در نظر گرفته می‌شود. و مطمئناً در قوم خدا وحدت وجود دارد. و به یک معنا، کلیسا قطعاً در وعده‌ها و برکاتی که به معنای معنوی به اسرائیل وعده داده شده بود، مشارکت دارد. اما به نظر من، آن تمایز ملی در مقابل معنوی، هنوز هم وجود دارد، بنابراین باید در مورد هر دو انصاف را رعایت کنید.

می‌توانیم با جزئیات بیشتری به این موضوع بپردازیم، اما فکر می‌کنم شواهد خوب و محکمی وجود دارد که حتی در میان مفسران یهودی، به ویژه قبل از قرون وسطی، این دیدگاه وجود داشت که این باید به عنوان یک پیشگویی مسیحایی درک شود، نه به عنوان اشاره‌ای به ملت. بنابراین این نه تنها یک دیدگاه مسیحی است، بلکه شواهد خوبی نیز از پایبندی یهودیان به این برداشت وجود دارد. سوال؟

یهودیان برای عیسی» را خواندم و در آن اشاره شده بود که در قرائت آنها در کنیسه، آنها بعد از « اشعیا ۵۲:۱۲ توقف می‌کنند و مستقیماً به اشعیا ۵۳:۱ می‌پروند و ۱۳:۵۲-۱۵ را رد می‌کنند. پاسخ وانوی: جالب است.

نظرات کلی در مورد اشعیا ۵۳

بسیار خوب، قبل از اینکه آیه به آیه به آن بپردازیم، چند نکته‌ی کلی دیگر هم مطرح می‌کنیم. نکته‌ی دیگری که به نظرم جالب است این است که از اشعیا ۴۰ به بعد، تأکید زیادی بر موضوع بازگشت از تبعید وجود

دارد. با این حال، وقتی به این فراز اوج این مجموعه از فرازهای مربوط به خدمتکاران می‌رسید، مطلقاً هیچ اشاره‌ای به تبعید نمی‌شود. تبعید به نوعی از تصویر محو می‌شود؛ حتی به آن اشاره‌ای هم نمی‌شود. اما فکر می‌کنم آنچه در اینجا، در این فراز اوج، در حال رخ دادن است، پاسخ خدا به مشکل اساسی‌تر است: مشکلی که پشت تبعید است، و آن مشکل گناه است. در واقع، این مشکلی است که چرا اسرائیل نتوانست کار خدمتکار را انجام دهد، زیرا اسرائیل گناه کرده بود. این گناه است که باعث تبعید شده است؛ این گناه است که باعث تمامی بیماری‌های بشریت می‌شود، و این همان موضوعی است که در این فراز به آن پرداخته شده است.

اکنون ما به اشعیا ۱: ۵۲-۱۲ نگاه نکرده‌ایم، اما این سرود شادی است. به آیه ۷ اشعیا ۱: ۵۲-۱۲ سرود شادی نگاه کنید: «چه زیباست بر کوه‌ها پای‌های آن که مژده می‌آورد و صلح را اعلام می‌کند؛ و مژده خیر می‌دهد و نجات را اعلام می‌کند؛ و به صهیون می‌گوید، خدای شما سلطنت می‌کند!» آیه ۹: «ای ویرانه‌های اورشلیم، با هم سرود شادی بخوانید، زیرا خداوند قوم خود را تسلی داده و اورشلیم را نجات داده است. خداوند بازوی مقدس خود را در نظر همه ملت‌ها آشکار کرده است؛ و همه کرانه‌های زمین نجات خدا را خواهند دید.» سرود شادی بزرگی در ۱: ۵۲-۱۲ وجود دارد. و آنچه در ۱۳: ۵۲ و بعد از آن می‌یابید دلیل شادی است: گناه کفاره شده است. کار بنده چیزی است که مشکل گناه را حل می‌کند.

اشعیا ۱۳: ۵۲ موفقیت خدمتکار

پس بیابید به خود متن نگاه کنیم. آیه ۱۳: «اینک بنده من با تدبیر عمل خواهد کرد. او سرافراز و متعال و بسیار والا خواهد شد.» آیه ۱۳ موفقیت بنده را در انجام کارش اعلام می‌کند. من از شاه جیمز می‌خوانم: «اینک است، شکل فعل. ترجمه شده به «با تدبیر» *yaskil* بنده من با تدبیر عمل خواهد کرد.» اصطلاح عبری آنجا عمل کردن.» ایده اصلی کلمه «عاقلانه عمل کردن» است، و آن «حکیمانه عمل کردن در انجام کارها به روشی می‌گوید: «ببینید، بنده NIV است که نتیجه می‌دهد.» بنابراین اغلب به «موفق شدن» ترجمه می‌شود. توجه کنید که من عاقلانه عمل خواهد کرد»، با یک یادداشت ترجمه متنی: یا «موفق خواهد شد.» بقیه آیه شامل سه فعل برای تعالی است. آنها عبارتند از: *نصح*، *رومرو دواه*. همه آنها مفهوم تعالی را دارند. متوجه شدید که شاه جیمز می‌گوید: «او متعالی و بلند NIV می‌گوید: «او متعالی خواهد شد، متعالی خواهد شد و بسیار والا خواهد شد مرتبه و بسیار والا خواهد شد.» اما همه آنها معانی مشابهی دارند. شاه جیمز برای مورد دوم می‌گوید «متعال خواهد شد.» به معنای واقعی کلمه «بلند مرتبه شدن» است. بنابراین، «او متعالی خواهد شد، او متعالی خواهد شد و بسیار والا خواهد شد.» حال دلیتزش در تفسیر خود در این مرحله پیشنهاد جالبی دارد. او با این سه فعل می‌گوید: اینجا رستاخیز او را داریم. او متعالی خواهد شد - عروج او - او متعالی خواهد شد.» فکر می‌کنم در گفتن اینکه «این بر اساس آن افعال آموزش داده می‌شود، تردید دارم. فکر می‌کنم به احتمال زیاد افعال با تکرار و موازی‌سازی بر موفقیت تأکید می‌کنند: او متعالی خواهد شد، متعالی خواهد شد و بسیار والا خواهد شد. اما مطمئناً موفقیت کار

بنده در آیه ۱۳ مد نظر است.

اشعیا ۱۴:۵۳ تحقیر اسرائیل و بنده

وقتی به فصل ۵۲، آیه ۱۴ می‌رسید، با یک تضاد روبرو می‌شوید. آیه ۱۴ می‌گوید، من از کینگ جیمز می‌خوانم، و به برخی از سوالات ترجمه نگاه خواهیم کرد: «همانطور که بسیاری از تو شگفت‌زده شدند؛ چهره او بیش از هر انسانی تغییر یافته بود و صورت او بیش از بنی‌آدم. او نیز بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.» همانطور که در آیه ۱۵ ادامه می‌یابد. برخلاف آیه ۱۳، آیه ۱۴ از تجلیل مسیح به تحقیر قبلی او می‌پردازد. درست در آن نقطه، چیزی دارید که احتمالاً درک آن برای شنوندگان و خوانندگان اولیه این متن بسیار دشوار خواهد بود. اشاره‌ای به تحقیر وجود داشته است: «خداوند، پیش از این، در متن مربوط به خدمتگزاران در ۴۹:۷ نجات‌دهنده اسرائیل و قدوس خود، به کسی که انسان او را تحقیر می‌کند، چنین می‌گوید.» و در آیه مربوط به فصل من پشت خود را به کسانی که او را می‌زنند، دادم. «اما فقط اشاره‌های کوتاهی در مورد تحقیر» ۵۰:۶ خدمتگزاران وجود داشته است

به خوبی ترجمه NIV من فکر می‌کنم که فصل ۵۲، آیه ۱۴، نه در ترجمه کینگ جیمز و نه در ترجمه می‌چرخد. به *tasher ken ken* نشده است. به همین دلیل، اگر به ساختار عبری نگاه کنید، واقعاً حول محور اما مترجمان واقعاً این، NIV نظر من، و من کاملاً نمی‌فهمم که چرا هم در ترجمه کینگ جیمز و هم در ترجمه است. و کینگ جیمز می‌گوید: *ki* در ابتدای عبارت دوم به زبان عبری «so» ساختار را از دست داده‌اند. کلمه همانطور که بسیاری از تو متحیر شدند؛ چهره او چنان خراب شد...» و واقعاً باید اینطور خوانده شود: «همانطور که بسیاری از تو متحیر شدند؛ چهره او بیش از هر مرد و صورت او بیش از بنی‌آدم خراب شد؛ او بر «همان «چنین، چنان» است. و ساختاری در آنجا ایجاد *ken, ken*، بسیاری از ملت‌ها نیز چنین خواهد پاشید.» ببینید «شده است و آن این است: «همانطور که بسیاری از تو متحیر یا متحیر شدند

تو» کیست؟ من فکر می‌کنم «تو» همان اسرائیل است. اسرائیل در تبعید است؛ اسرائیل در رنج است. «پس هر که از تو در شگفت شد،» مردم از اسرائیل به خاطر رنجی که متحمل شد، وحشت کردند. اسرائیل در «تمام طول فصل ۵۲ مخاطب است. «پس هر که از تو در شگفت شد، ای اسرائیل. پس به همین ترتیب.» این یک مقایسه است. «پس به همین ترتیب، چهره او بیش از هر مردی آسیب دید.» پس هر که از تو، اسرائیل، شگفت زده یا وحشت زده شد، به همین ترتیب، چهره او بیش از هر مردی آسیب دید، یعنی آن بنده. بنابراین مقایسه‌ای بین تحقیر بنده و تحقیر اسرائیل وجود دارد.

با این حال، وقتی به این مقایسه فکر می‌کنید، باید همزمان متوجه شوید که تفاوت مهمی بین این دو تحقیر وجود دارد. تحقیر اسرائیل نتیجه گناه است. این گواه ناتوانی اسرائیل در انجام کاری است که به او محول شده است. از سوی دیگر، تحقیر بنده به دلیل هیچ گناهی از جانب خودش نیست؛ با این حال، او باید تحقیر را تحمل کند.

و سوال این است: چرا؟ پاسخ این سوال در عبارت بعدی است که این "بنابراین" دوم است. "همانطور که بسیاری از شما اسرائیل از شما شگفت زده شدند، چهره او بیش از هر مرد و صورت او بیش از بنی آدم خراب شد. بنابراین او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید." این "بنابراین" به معنای نتیجه است. بنابراین شما درست همانطور که می‌بینید - *کاشر*، بنابراین به روشی مشابه - چهره بنده خراب شده است، بنابراین در نتیجه او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید. من فکر می‌کنم ساختار، نحوه جریان آن اینگونه است

"اشعیا 52:15 در مورد "بسیاری از ملت‌ها را بپاش

بنابراین به آن جمله جالب می‌رسید: «پس او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.» در نتیجه تحقیر شدن، او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید. کلمه‌ای که «پاشیده» ترجمه شده، «*نزه*» است. این کلمه‌ای است که بارها در لایوان برای تطهیر تشریفاتی اشیاء در خیمه استفاده شده است. بنابراین، این ایده تطهیر را در بر دارد؛ گاهی اوقات این کار با آب انجام می‌شد، گاهی اوقات با خون. اما این اشیاء برای تطهیر آنها پاشیده می‌شدند. بنابراین فکر می‌کنم وقتی می‌خوانید: «پس او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید»، هدف از تحقیر، پاکسازی بسیاری از ملت‌ها است.

بنابراین درست در ابتدای این متن اوج، ایده اصلی کل متن را می‌بینید: بنده قرار است بسیاری از ملت‌ها را در نتیجه تحقیر خود پاک یا تطهیر کند. و او این تحقیر را تجربه خواهد کرد، اما نتیجه آن تطهیر ملت‌ها است. حال، این در قلب پیام متن قرار دارد. با این حال، اگر به عنوان مثال به نسخه استاندارد اصلاح شده نگاه کنید، خواهید خواند: "بنابراین او بسیاری از ملت‌ها را متحیر خواهد کرد." "پاشیدن" حذف شده و اینگونه نوشته شده است: "بنابراین او بسیاری از ملت‌ها را متحیر خواهد کرد." یک پاورقی وجود دارد، و ممکن است فکر کنید که RSV پاورقی می‌گوید: "یا پاشیدن". پاورقی می‌گوید: "معنی کلمه عبری نامشخص است." این یک پاورقی در است. کلمه *نزه* ۲۴ بار آمده است. ۴ بار در قال، ۲۰ بار در هیفیل. این یک شکل هیفیل است. همیشه به پاشیدن ترجمه می‌شود. بنابراین فکر نمی‌کنم جای هیچ شکی باشد که معنی آن چیست، زیرا در بسیاری از زمینه‌های دیگر استفاده می‌شود، جایی که همیشه به عنوان «پاشیدن» ترجمه می‌شود. هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد معنی آن در اینجا این نیست. فکر می‌کنم تنها مشکل این است که برخی ممکن است احساس کنند این کلمه در این زمینه معنی ندارد.

ترجمه سپتواجینت این عبارت را اینگونه ترجمه می‌کند: «بنابراین بسیاری از ملت‌ها از او تعجب خواهند بنابراین بسیاری از ملت‌ها از او تعجب خواهند کرد.» به نظر می‌رسد که این ترجمه بر «*thaumazw*»، «کرد اساس توازی موجود در متن است، «همانطور که بسیاری متحیر شدند» و سپس بسیاری تعجب می‌کنند. این به می‌گوید نیست: RSV نوعی با آن توازی دارد. اما خود متن عبری واضح است: می‌گوید «پاشیدن». این آنطور که معنای کلمه عبری نامشخص است. این یک شکل کاملاً طبیعی و مفرد سوم مذکر است. ببینید، همانطور که آنها -

بسیاری - از او وحشت زده شدند، شما آن «بنابراین» را می‌بینید: «بنابراین ظاهر او فراتر از هر انسانی تغییر شکل یافت، فراتر از انسان تغییر شکل یافته و بی‌شبهات؛ او ملت‌ها را نیز **همینطور** خواهد پاشید.» این ساختار هر دو آن را به این شکل ترجمه می‌کنند NIV بنابراین، بنابراین» است. من نمی‌فهمم که چرا کینگ جیمز و»

چه دارد؟ این در ادامه‌ی چیزی است که من می‌گفتم: «بنابراین، بنابراین»، درست NASV نسخه برای این عبارت می‌گوید: «بنابراین او بر بسیاری از Anchor همانطور که «بنابراین، بنابراین». کتاب مقدس Anchor ملت‌ها خواهد پاشید»، می‌گوید: «بسیاری از ملت‌ها شگفت‌زده خواهند شد.» پاورقی در کتاب مقدس می‌گوید: «اصلاح حدسی بر اساس نسخه‌ها». در واقع، اگر به پاورقی‌های کتاب مقدس عبری در مورد این کلمه نگاه کنید، واقعاً شگفت‌انگیز است. عبارت اینگونه است: «بنابراین او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.» کاملاً به معنای «شاید بخوانید» است - شما LFRT، سراسر است و واضح است. اگر به کتاب مقدس عبری قدیمی نگاه کنید آن را به صورت جمع، جمع سوم مذکر می‌سازید هیچ مدرکی در نسخه خطی فقط می‌گوید، «شاید بخوانید». این آشفته شدن» را «Qal Imperfect ragaz ویراستار جمع سوم مذکر، PRPS یک اصلاح حدسی است. برای پیشنهاد می‌کند. اصلاح حدسی. هیچ مدرکی در نسخه خطی برای پشتیبانی از این اصلاح حدسی وجود ندارد. یا می‌رسید، همه اینها تغییر BHS تعظیم کردن». شما به»، Hiphil imperfect یعنی، یا جمع سوم مذکر، BEL می‌تواند در ریشه خود به معنای nazah، کرده است، اما شما، یک پیشنهاد این است که، پیشنهاد شده است جهیدن» یا «پاشیدن» باشد. من فکر می‌کنم اینگونه است که برخی افراد سعی می‌کنند «جا خوردن» را از «جهیدن» یا «پاشیدن» استخراج کنند. بنابراین می‌بینید که «ملت‌ها مبهوت خواهند شد» به جای «او ملت‌ها را» یا be agitated، /r حدس می‌زنند، مانند اینجا «ragaz» خواهد پاشید». یا سپس آنها صرفاً این شکل از تحقیر کردن». اما این مقدار اصلاح حدسی که برای جایگزینی چیزی با کلمه‌ای که کاملاً واضح است «bazah» پیشنهاد شده است، شگفت‌انگیز است.

اگر به اول پطرس ۱:۲ نگاه کنید: «برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس روح، برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح.» پاشیدن خون عیسی مسیح آن عامل تطهیرکننده است.

حال، اگر به اشعیا ۵۲، آیه ۱۵ برگردید، در آنجا تقسیم‌بندی بدی از آیات خواهید داشت. عبارت اول آیه در واقع با آیه ۱۴ مطابقت دارد: «همانطور که بسیاری از تو شگفت‌زده شدند، چهره او بیش از هر انسانی ۱۵ خراب شد، و صورت او بیش از بنی‌آدم. پس او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.» شما فکر می‌کنید «پاشیدن» به این دلیل واضح است که این کلمه در لایوان، همانطور که اشاره کردم، ۲۴ بار پاشیدن استفاده شده است. بنابراین عبارت اول آیه ۱۵ با قسمت آخر آیه ۱۴ بهتر از آنچه در ۱۵ آمده است، مطابقت دارد. بنابراین تقسیم‌بندی آیات در آنجا دوباره ضعیف است. اما وقتی به آیه ۱۵ می‌رسید، متوجه می‌شوید که پادشاهان از آنچه می‌بینند، سرشار از هیبت می‌شوند. این چیزی است که آنها باور نمی‌کردند که ممکن باشد: «پادشاهان دهان خود را از او خواهند بست، زیرا آنچه به آنها گفته نشده بود، خواهند دید. و آنچه نشنیده بودند، خواهند اندیشید.» بنابراین نتیجه

این است که افراد برجسته تحت تأثیر این کار بنده قرار می‌گیرند. بنابراین، بنده با تحقیر، کار خود را به انجام رساند و به کمال رساند. او برای پاکسازی، بر ملت‌ها آب می‌پاشد و نتیجه این است که افراد سرشناس تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

خب، برخی گفته‌اند که ایده‌ی «جا خوردن» با این فرض پیدا می‌شود که همانطور که وقتی کسی آب یا خون را می‌پاشد، باعث می‌شود که بپرد یا بپرد، او باعث می‌شود که ملت‌ها بپرند یا بپرند. و برخی می‌گویند که BHS ریشه‌ی عربی مشابهی وجود دارد که به معنای «جهیدن» است. اما معمولاً، همانطور که در متن عبری متوجه می‌شوید، به سادگی پیشنهاد می‌شود که ما باید یک اصلاحیه حدسی انجام دهیم زیرا برخی فکر می‌کنند که به شکلی که هست، معنی ندارد. اگر واقعاً متنی داشتید که کاملاً بی‌معنی بود، ممکن است به دنبال اصلاحیه‌ای مانند آن باشید، اما به نظر می‌رسد در موردی مانند این، که کاربردهای دیگری از این اصطلاح دارید و کاربردهای دیگر این اصطلاح کاملاً واضح است و ایده‌ی پاشیدن یا معنای تطهیر یک مفهوم کاملاً رایج است، نیازی به جستجوی نوعی منبع جایگزین نسبتاً مبهم برای معنای «پاشیدن» نیست.

اشعیا ۵۳: ۱-۲ تعداد کمی ایمان دارند، ریشه‌های فروتنانه‌ی خدمتکار

بیایید به سراغ اشعیا ۵۳: ۱ برویم: «چه کسی خبر ما را باور کرده است؟ بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟» در اینجا شما یک سوال بلاغی دارید. یانگ می‌گوید که این سوال برای جلب توجه به تعداد کمی از کسانی که ایمان می‌آورند، طراحی شده است. «چه کسی خبر ما را باور کرده است؟ و بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟» به عبارت دیگر، ماهیت غیرمنتظره روشی که خداوند نجات را به ارمغان آورده است، به این معنی است که بسیاری از مردم معنای واقعی آن را تشخیص نمی‌دهند. تعداد کمی از مردم ایمان می‌آورند. «چه کسی خبر ما را باور کرده است؟ بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟»

دلیل این نگرش در آیه ۲ آمده است: «زیرا او در برابر او مانند گیاهی نازک و مانند ریشه‌ای از زمین خشک خواهد رویید: نه صورتی دارد و نه زیبایی؛ و چون او را ببینیم، هیچ زیبایی‌ای ندارد که مشتاق او باشیم.» در آیه ۲، اول از همه، متوجه می‌شوید که خاستگاه او آن چیزی نیست که کسی انتظار داشت. او مانند گیاهی نازک، مانند ریشه‌ای از زمین خشک، رشد می‌کند. خاستگاهی فروتنانه است. و همچنین، او جذابیت ظاهری را که ممکن است از یک نجات‌دهنده انتظار داشته باشید، ندارد. او از اسرائیل می‌آید، و اسرائیل در زمان مسیح ملتی ناچیز بود. چه کسی فکر می‌کند که از آن گروه کوچک و ناچیز کسی بیاید که نجات را برای جهان به ارمغان بیاورد؟ او ریشه‌ای از زمین خشک است. او نه صورتی دارد و نه زیبایی؛ او به مرگ یک جنایتکار مُرد. مطمئناً صلیب تصویری از آنچه شما از یک فاتح، یک نجات‌دهنده انتظار دارید، نیست. او فرمانده یک ارتش بزرگ نبود؛ او یک شخصیت سیاسی بزرگ نبود. بنابراین آیه ۲ به شخصیت یا زندگی او که در آن زیبایی فراوانی وجود داشت اشاره نمی‌کند، بلکه به خاستگاه فروتنانه و مرگ او اشاره دارد. او مانند ریشه‌ای از زمین خشک رشد کرد،

. هیچ شکلی و زیبایی نداشت. هیچ زیبایی وجود ندارد که ما او را بخواهیم

اشعیا ۵۳، آیه ۳ می‌گوید: «او مورد تحقیر و طرد مردم است. مردی از اشعیا ۳:۵۳ مرد درد و زخم غم‌ها، آشنا با غم. ما گویی روی خود را از او پنهان کردیم. او مورد تحقیر قرار گرفت و ما او را گرامی نداشتیم.» آیه ۳ به توصیف غم و اندوه مرتبط با مرگ او ادامه می‌دهد. او توسط مردم ملت خود توطئه شد. او به دست رومیان شکنجه و کشته شد. کینگ جیمز در آنجا ترجمه می‌کند: «او مورد تحقیر و طرد قرار گرفت. مردی از غم‌ها و آشنا با غم.» به نظر من این دو کلمه در کینگ جیمز کمی بیش از حد گسترده ترجمه شده‌اند: غم‌ها و اندوه. کلمه اول یک اسم مذکر است که به معنای «درد» است. مورد دوم اسمی است که به معنای «بیماری» یا «بیماری» یا «درد ناشی از زخم‌ها» است. بنابراین فکر می‌کنم منظور این است: او مورد تحقیر و طرد مردم قرار گرفت، مردی اهل غم و اندوه که با غم آشنا بود. غم‌ها و اندوه‌ها به درد جسمی که او در زمان رنج خود متحمل شد اشاره دارند. این موضوع در آیه ۴ ادامه می‌یابد.

اشعیا ۴:۵۳ آنچه او انجام داد و آنچه ما فکر می‌کردیم: خدمت شفابخشی مسیح

آیه ۴: «یقیناً او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خود حمل کرد. با این حال ما او را از جانب خدا رنج‌دیده، مضروب و رنج‌دیده پنداشتیم.» کلمات «غم‌ها» و «غم‌ها» در آنجا کلمات یکسانی هستند، اما از آنچه ترجمه نشان می‌دهد، محدودترند. فکر نمی‌کنم که آنها به غم و اندوه به طور کلی اشاره داشته باشند، بلکه به طور خاص به آسیب جسمی و بیماری اشاره دارند. فکر می‌کنم ترجمه بهتر این است: او بیماری‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خود حمل کرد. به صفحات ۳۱-۳۲ نقل قول‌های شما نگاه کنید. من در آنجا پاراگرافی از دکتر مگری گرفته‌ام. *انجیل اشعیا*. چند پاراگراف است. بیایید به این نگاه کنیم و سپس کمی استراحت کنیم. صفحه ۳۱ از صفحه استناد شما، که از صفحات ۱۳۶-۱۳۸ از *انجیل اشعیا آمده است*، مگری می‌گوید: «آیه ۴ اغلب به دلیل اینکه دو کلمه کاملاً خاص به معنای نسبتاً کلی در نظر گرفته شده‌اند، دچار سوءتفاهم شده است. متن عبری تضاد شدیدی بین قسمت اول و دوم آیه ایجاد می‌کند. در ابتدای قسمت اول، تأکید زیادی روی ضمیر «او» وجود دارد، در حالی که در قسمت دوم، تأکید مشابهی روی ضمیر *ما* وجود دارد. می‌بینید: «مطمئناً او غم‌های ما را بر خود گرفت، غم‌های ما را حمل کرد: با این حال *ما* او» را از جانب خدا مضروب و رنج‌دیده دانستیم»، که تضاد بین آنچه او انجام داد و آنچه ما فکر می‌کردیم را نشان می‌دهد.

این تضاد با این واقعیت که آیه با کلمه عبری که عموماً به طور قطع یا حقیقتاً ترجمه می‌شود، آغاز می‌شود، بیشتر آشکار می‌شود. در تلاش برای برجسته کردن کامل‌تر تضاد، این کلمه در ترجمه

بالا به صورت «در واقع» ترجمه شده است.» این ترجمه خود مکرری است. «دو کلمه اول در آیه، کلمات رایج عبری برای حمل کردن یا بلند کردن هستند و عموماً شامل ایده برداشتن چیزی یا بردن آن نیز می‌شوند. اسم‌هایی که با آنها استفاده می‌شوند، کلمات تحت‌اللفظی برای رنج و ناتوانی جسمی هستند. ترجمه کینگ جیمز از «غم‌ها و اندوه‌ها» بسیار کلی است.

این عبارت، خدمت شفابخشی مسیح را به تصویر می‌کشد. این موضوع به وضوح در متی ۸: ۱۶-۱۷ بیان شده است، جایی که گفته می‌شود کارهای شفابخش او انجام شد «تا آنچه اشعیای نبی گفته بود، تحقق یابد: او خود ضعف‌های ما را برداشت و بیماری‌های ما را حمل کرد». در بخش پایانی این آیه، ناظران به اشتباه خود اعتراف می‌کنند: اگرچه معجزات بزرگ او را دیده بودند، اما هنگام دستگیری و کشته شدن او، کاملاً اشتباه فهمیده بودند. این موضوع آنها را اندوهگین کرد که چنین مرد خوبی می‌تواند «از جانب خدا مضروب، مضروب و مبتلا» شود. بدون شک این احساس بسیاری از کسانی بود که بعداً در روز پنطیکاست ایمان آوردند. مطمئناً در مورد شاگردان در راه امانوس صادق بود، زیرا آنها به مردی که او را غریبه می‌دانستند، در مورد غم و اندوه بزرگ خود از مرگ کسی که دیده بودند معجزات زیادی انجام می‌دهد و امیدوار بودند که اسرائیل را نجات دهد، گفتند. اما به نظر می‌رسید که آن امید از بین رفته است. خود عیسی به معجزات بزرگ شفابخشی خود به عنوان گواهی بر حقیقت ادعاهایش اشاره کرد. این موضوع به وضوح در یوحنا ۵: ۳۶، ۱۰: ۳۸، ۱۱: ۱۴ آمده است: کسانی که معجزات بزرگ شفابخشی او را دیده بودند، به ادعاهای الهی بودن او اعتماد کامل نداشتند. با این حال، اکنون متوجه شدند که مرگ او نتیجه نارضایتی الهی نبود، بلکه معنای کاملاً متفاوتی داشت که در اشعیا ۵: ۵۳ آمده است. مفسران گاهی اوقات کفار را به نیمه اول آیه ۴ برمی‌گردانند: «یقیناً او غم‌های ما را بر خود گرفت، غم‌های ما را بر خود حمل کرد» که به معنای «درد و بیماری» به معنای کلی غم، رنج و اندوه ترجمه شده است. با این حال، حتی اگر به این صورت کلی ترجمه شود، «غم‌ها و اندوه‌ها» روشی عادی برای بیان ایده گناه نیستند. بسیاری از کتاب مقدس در اینجا به متی ۸: ۱۶-۱۷ و اول پطرس ۲: ۲۴ اشارات حاشیه‌ای دارند. در واقع، اول این آیه به روشنی کفار مسیح را *bore* پطرس ۲: ۲۴ تنها یک کلمه مشترک با نیمه اول اشعیا ۴: ۵۳ دارد، کلمه بیان می‌کند و از اشعیا ۵: ۵۳ نقل قول می‌کند، اما اشتباه است که آن را به عنوان نقل قولی از آیه ۴ نیز در نظر بگیریم.

بنابراین می‌بینید که نکته‌ی مکرری این است که آیه‌ی ۴ در بخش اول خود واقعاً در مورد کار کفار می‌باشد. مسیح صحبت نمی‌کند: «یقیناً او غم‌های ما را بر خود گرفت و غم‌های ما را بر خود حمل کرد»، همانطور که شاه جیمز آن را ترجمه می‌کند. این آیه در مورد خدمت شفابخش مسیح صحبت می‌کند که باید گواهی بر این باشد که او کیست. با این حال، وقتی مردم معجزات او را دیدند و سپس او را مصلوب دیدند، یعنی زمانی که او را مصیبت زده، مضروب شده توسط خدا و رنج کشیده می‌دانستند، با وجود معجزاتی که انجام داده بود، نتوانستند تشخیص دهند که او کیست. بنابراین تضاد، کاری است که او انجام داد و کاری است که کسانی که او را دیدند در

پاسخ انجام دادند. «ما»: «ما او را مصیبت زده، مضروب شده توسط خدا و رنج کشیده می دانستیم.» بنابراین آنها کارهای او را دیدند، اما فکر کردند که این واقعیت که او گرفته و مصلوب شد، ثابت می کند که او نجات دهنده نیست. بنابراین آنها گیج شدند.

حالا بیایید قبل از ادامه دادن به اشعیا ۵۳: ۵ و ۶، ده دقیقه استراحت کنیم.

رونویسی توسط مایا بم
ویرایش خام اثر کارلی گیمن
تدوین: تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
مجدد توسط دکتر پری فیلیپس

روایت